

شَد (۱)

۷۰۶-۶۱۵

عضوی از بدن پیچیده و «بسته» می‌شوند، نیز «شَد» اطلاق شده‌است (ب دوزی^۲، ص ۲۱۳-۲۱۶).

اهمیت شَد نزد اهل فتوت و اصناف پیشه‌وران به اندازه‌ای بوده‌است که این گروه‌ها، در موارد بسیار، خود را «اهل / اصحاب الشَد» خوانده‌اند (برای نمونه ب کاشفی سبزواری، ص ۲۸۰؛ *الفتوة فی طریق الشَد و العهد*، گ [۱۲]؛ چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ص ۲۱۵؛ سی فتوت‌نامه^۳ دیگر، ص ۱۳۷). به نظر می‌رسد که شَد بستن رسمی بوده‌است که از عیاران و فتیان به پیشه‌وران و اهل اصناف، که به گونه‌ای فتوت بازاری پایبند بوده‌اند، و طریقه‌هایی از متصوفه سرایت کرده‌است. نخستین گزارشها و یادکردها از شَد و مجلس آن در نوشته‌هایی از اهل فتوت آمده‌است که در پی سیاست ناصر خلیفه عباسی (حک: ۵۷۵-۶۲۲) مبنی بر پذیرش و تبلیغ فتوت^{*}، نگاشته شده‌اند (ناصر خلیفه که خود با پوشیدن سروال فتیان جریان فتوت را شکل سازمانی داد، در تبلیغ سیاست حمایت از فتوت، نمایندگانی نزد سلاطین و امرا می‌فرستاد تا آنها را شَد ببندند و سروال بپوشانند، برای نمونه ب ابن اثیر، ج ۱۲، ص ۴۴۰؛ ابوشامه، ص ۶۹؛ ابن طقطقی، ص ۲۹۹؛ ذهبی، حوادث و وفیات ۵۹۱-۵۶۰ ه.، ص ۵۰). کتاب *الفتوة* ابن معمار بغدادی و *تحفة الوصایای احمد بن الیاس* النقاش از نخستین کتابهایی به‌شمار می‌روند که به تبع این سیاست به نگارش درآمده‌اند و در آنها به تفصیل از آداب و شعائر شَد بستن سخن رفته‌است. صحبت از جزئیات مراسم شَد در این نوشته‌ها (برای نمونه ب ابن معمار، ص ۲۰۷-۲۱۳) نشانه تثبیت این مراسم نزد اهل فتوت در سده هفتم است. با این حال، آغاز این مراسم، به شکل نهادین شده آن در دوره ناصر، نبایست چندان از سده هفتم پیشتر رود و ظاهراً در منابع پیش از این دوره گزارش و یادکرد صریحی از مراسم شَد در دست نیست.

با اجرای آیین شَد، مشدود به عضویت آزمایشی گروه فتیان درمی‌آمد. عضویت دائم با مراسم «تکمیل» (تکفیه / لیس) صورت می‌پذیرفت که شاخصه آن گشودن شَد، پوشاندن سروال (سراویل / لباس الفتوة) یا اعطای سلاح به فرد تأیید صلاحیت‌شده (مکمل) بود (ب همان، ص ۲۰۷-۲۰۹؛ احمد بن الیاس، گ ۱۱۴؛ ناصری سیواسی، ص ۲۲-۳۵؛ املی، ج ۲، ص ۱۲۱). در فتوت بازاری اصناف، هرچند شاگرد و تازه‌وارد، دوره‌ای را که ممکن بود سالها به طول انجامد - برای آزمایش و خدمت نزد استاد می‌گذرانده (ب کاشفی سبزواری، ص ۱۴۴؛ گولپینارلی^۳، ص ۹۰)، تأکید بر رسم تکمیل و پوشیدن سروال نشده‌است.

رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران ۱۳۸۷ ش؛ رضا نوربها، نگاهی به قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵-۱۳۷۰) همراه با چند مقاله حقوقی دیگر، تهران ۱۳۸۲ ش؛ علی بن ابوبکر هبشی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛

Jean Delumeau, "The development of the concept of personhood: a brief sketch", in *Personhood and health care*, ed. David C. Thomasma, David N. Weisstub, and Christian Hervé, Dordrecht: Kluwer Academic Publishers, 2001; *Encyclopedia of psychology and religion*, ed. David A. Leeming, New York: Springer, 2014, s.v. "Persona" (by Ann Casement); Jan Klabbers, "The concept of legal personality", in *International legal personality*, ed. Fleur Johns, Surrey, Engl.: Ashgate, 2010; Plato, *The collected dialogues of Plato, including the letters*, ed. Edith Hamilton and Huntington Cairns, [tr. Lane Cooper et al.], Princeton, N. J. 1994; Roland Portmann, *Legal personality in international law*, Cambridge 2010; *Routledge encyclopedia of philosophy*, ed. Edward Craig, London: Routledge, 1998, s.v. "Personal identity" (by Brian Garrett).

/ هاجر کاظمی افشار /

شَد (۱)، کمربند آیینی اهل فتوت و اصناف و آیین بستن آن. «شَد» به معنای «بستن و استوارکردن» (ب ابن منظور، ذیل «شدد»؛ دهخدا، ذیل واژه) در معنای اصطلاحی به کمربندی اطلاق می‌شده‌است که فتیان، اهل اصناف و برخی از طریقه‌های صوفیه می‌بسته‌اند و توسعاً به مجلسی گفته می‌شده‌است که در آن تازه‌وارد با چنین کمربندی، با رسوم و آیینهایی نمادین، به نشانه ورود به جرگه جماعات یادشده میان بسته می‌شد.

در برخی فتوت‌نامه‌ها، گاه، این واژه به شکل «شَدّه» ضبط شده‌است (برای نمونه ب کاشفی سبزواری، ص ۱۲۶، ۲۹۱؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ص ۱۲۰). گاه نیز، به دلیل تشابه کاربری، دیگر واژگانی که در معنای کمربند^{*} کاربرد داشته‌اند (مانند حزام / میحزم ربط المیحزم یا ازار / ایزار / میزر) در معنای خاص اصطلاحی شَد استفاده شده‌اند (ب کاشفی سبزواری، ص ۱۹۹؛ چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ص ۸۴؛ سی فتوت‌نامه^۳ دیگر، ص ۲۳۵؛ شیخلی، ص ۱۹۴؛ کوئن^۱، ص ۱۹۲، پانویس ۱۴). در مناطقی از افریقا (مانند مراکش و مصر)، به پوششهایی مانند عمامه^{*}، شال گردن و کفش^{*}، که همگی به دور

1. Cohen

2. Dozy

3. Gölpınarlı